

زندگی تازه در مسیح

درس ۹

راستگویی و صداقت در زندگی ما

وفاداری خدا

در کتاب تثنیه به آخرین سخنان موسی درست پیش از آن که چشم از جهان فرو بندد اشاره شده است. موسی تقریباً چهل سال پیش، مهربانی و محبت خدا را دیده بود. در آن هنگام خدا از برابر موسی گذشت و چنین ندا کرد:

"یهوه، یهوه، خدای رحیم و فیاض، دیر خشم و آکنده از محبت و راستی..."

خروج ۳۴:۶

حال در کتاب تثنیه می خوانیم که موسی در وصف خدا برای قوم اسرائیل که قصد عبور از رود اردن و ورود به سرزمین وعده دارند اینگونه می سراید:

"نام خدا را ندا خواهیم کرد؛ وصف عظمت خدای ما را بگویید. اوست صخره و کارهایش به کمال، راهپایش جملگی انصاف، او **خدای امین** و برکنار از بیداد، عادل است او و هم درستکار."

تثنیه ۳۲:۳-۴

در هر دو آیه فوق، خدا امین و درستکار توصیف شده است. از نظر موسی، خدا شبیه یک صخره است که می توان به راهپا و کارهایش کاملاً اعتماد کرد. داوود نیز در یکی از مزمورهایش از این عبارت جهت توصیف خدا استفاده نموده است.

"روح خود را به دست تو می سپارم، تو مرا فدیة کرده ای، ای یهوه **خدای امین**."

مزامیر ۳۱:۵

ما می دانیم که عیسی اولین بخش این آیه را قبل از مرگ بیان کرد. در واقع کلمات این بخش از آیه، آخرین کلماتی بودند که او به هنگام مصلوب شدن به زبان آورد و این کلمات به ما اعتماد کامل عیسی به خدا را نشان می دهند. احتمالاً بخش دوم این آیه همان عبارتی باشد که عیسی بلافاصله پس از رستاخیز از مردگان به زبان آورد. از نظر عیسی، تمام کلام خدا حقیقت داشت. خدا به عیسی وعده رستاخیز از مردگان را داده بود و او با رستاخیزش نشان داد که می توان به خدا اعتماد محض و کامل داشت.

جالب است که در برخی از ورژن های جدید کتاب مقدس، واژه "صداقت" به صورت "وفاداری" ترجمه شده است. پولس رسول به هنگام نوشتن نامه به قرنتیان از این واژه استفاده کرد و نوشت که "خدا وفادار است". او با استفاده از این واژه به کلیسای قرنتیان یادآوری کرد که خدا به حرف خود عمل می کند. او قابل اعتماد است و فرزندانش را به پادشاهیش خواهد آورد. پولس در واقع این ایده و مفهوم را از کتاب تثنیه اقتباس کرده بود. به آیه زیر نگاه کنید:

"پس بدانید که یهوه خدای شما، **اوست خدا، خدای امین** که عهد و محبت خود را با آنان که او را دوست می دارند و فرمانهایش را به جا می آورند، تا هزار پشت نگاه می دارد."

تثنیه ۷:۹

شاگردان خداوند عیسی به این خصلت خدا اعتماد کامل دارند. ما با تمام وجودمان ایمان داریم که خدا وفادار و صادق است. او هرگز به ما دروغ نمی گوید و یا ما را فریب نمی دهد. در حقیقت، پولس در رساله به رومیان نوشت که " حتی اگر همه انسانها دروغگو باشند، خدا راستگو است". بعبارتی دیگر، حتی اگر تمام مردم دنیا دروغگو و دغل باز باشند خدا صادق و راستگو باقی خواهد ماند. (رجوع کنید به رساله تیتوس ۱:۲)

ضرورت صداقت

درک مفهوم صداقت خدا مهم است زیرا خدا از ما می خواهد که شبیه او باشیم یعنی خصوصیات اخلاقی او را دارا باشیم یا همانگونه که او می فرماید باشیم:

"مقدس باشید، زیرا من، یهوه خدای شما قدوسم."

لاویان ۱۹:۲

مقدس بودن به معنای جدا شدن از دنیای پیرامون ما و خود را وقف خدا کردن است. زمانی پاک و مقدس شمرده می شویم که از فرامین خدا اطاعت و از زیانمان تنها برای گفتن حقیقت استفاده کنیم. خدا نیز به قوم اسرائیل فرمود که آنها در صورت عدم اطاعت از قوانینش نام مقدس خدا را بی حرمت خواهند کرد.

در باب ۱۹ لاویان دستورالعمل ها و اصولی فراتر از ده فرمان ارائه می شود. جملگی نشانگر این هستند که بنی اسرائیل چگونه می بایست این وظایف را در زندگیشان بکار می گرفتند. باید توجه کنیم که چه تعداد از این فرامین خدا با صداقت و راستگویی در زندگی آنها و ما مرتبط است. خدا صادق و راستگوست و از ما نیز می خواهد که اینگونه باشیم.

- دزدی نکنید، مکر ننمایید و به یکدیگر دروغ مگویید. (آیه ۱۱)
- بر همسایه خود ستم مکن و مالش را غصب منما. مزد کارگر روز مزد را تا صبح نگاه مدار. (آیه ۱۳)
- در داوری بی انصافی مکن. نه جانب فقیر را بگیر و نه بزرگ را حرمت دار. همسایه خویش را به انصاف داوری کن. (آیه ۱۵)
- در میان قوم خود به قصد سخن چینی مگرد. (آیه ۱۶)
- در داوری خطا نورزید، در سنجش طول و وزن و حجم تقلب نکنید. ترازوی درست، وزنه های درست داشته باشید. (آیات ۳۶-۳۵)

صداقت بخش مهمی از زندگی یک ایماندار را تشکیل می دهد. اگر نتوانیم به یکدیگر اعتماد داشته باشیم آنگاه زندگی در کنار یکدیگر و عبادت با هم امری محال و غیرممکن می شود. مهم است که بدانیم کتاب مقدس به ما درباره اهمیت صداقت نه تنها در گفتارمان بلکه در کردارمان تعلیم می دهد. برای مثال، باب بعدی کتاب لاویان به ما می آموزد که لازم است نسبت به همسرمان وفادار و راستگو باشیم. داشتن رابطه جنسی با زن مردی دیگر یا با شوهر زنی دیگر به اندازه ارتکاب دزدی یا دروغگویی امری نادرست و ناپسند محسوب می شود. خدا از ما می خواهد که همواره با صداقت و راستی رفتار کنیم.

" خدا از لبهای دروغگو کراهت دارد اما راست کرداران پسندیده او هستند."

امثال سلیمان ۱۲:۲۲

در کتاب مقدس مثالهای بسیاری از مردان و زنان وجود دارد که در پیشگاه خدا دروغ گفتند و می بایست درس عبرت می گرفتند که عدم صداقت از دیدگاه خدا امری غیر قابل قبول است. برای نمونه، در پیدایش باب ۲۷ می خوانیم که چگونه یعقوب و مادرش ربکا، اسحاق را فریب دادند. یعقوب وانمود کرد که برادرش عیسو است. او به پدرش دروغ گفت تا چیزی را که حقش نبود بدست آورد. اما این دروغ عواقب شدیدی را به همراه داشت. عیسو تا آخر عمر دشمن یعقوب گردید. یعقوب ناچار شد تا از خانه پدری فرار کند و دیگر هرگز روی مادرش را ندید. بعدها که یعقوب پدر پسران بسیاری شد، پسرانش به نوبت به دروغ به او گفتند که پسر محبوبش یوسف مرده است. از این مثال درس می گیریم که در صورتی که در زندگیمان دروغ بگوییم و یا کسی را فریب دهیم، ممکن است موجب ایجاد مشکلات و دردهایی در خانواده شویم. اگر دست به چنین عملی بزنیم باید با عواقب آن تا سالیان متمادی زندگی کنیم و شاید فرزندانمان به نوبت این عمل بد را انجام دهند.

صداقت در حضور خدا

ما دروغ می گوییم زیرا به گمان خود می توانیم از آن قسر در برویم. فکر می کنیم هیچ کس نخواهد فهمید که ما حقیقت را بیان نکرده ایم. با این حال، خدا همیشه از اعمال ما و در واقع از نیت قلبی ما آگاه است.

" خدایا تو مرا آزموده و شناخته ای! تو از نشستن و برخاستنم آگاهی و اندیشه هایم را از دور می دانی. تو راه رفتن و آمدنم را سنجیده ای و با همه راههایم آشنایی. حتی پیش از آنکه سخنی بزبانم آید تو، ای خدا، به تمامی از آن آگاهی.

مزامیر ۴-۱:۱۳۹

در اعمال رسولان درباره مردی و همسرش می خوانیم که پیش خود فکر می کردند می توانند خواهران و برادران در کلیسا و خدا را فریب دهند.

" و اما شخصی حنانیا نام با همسرش سفیره ملکی را فروخته، بخشی از بهای آن را با آگاهی کامل زنش نگاه داشت و مابقی را آورده، پیش پای رسولان نهاد. پطرس به او گفت: ای حنانیا، چرا گذاشتی شیطان دلت را چنین پر سازد که به روح القدس دروغ بگویی و بخشی از بهای زمین را برای خود نگاه داری؟ مگر پیش از فروش از آن خودت نبود؟ و آیا پس از فروش نیز بهایش در اختیار خودت نبود؟ چه چیز تو را بر آن داشت که چنین کنی؟ تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفتی.

چون حنانیا این سخنان را شنید، بر زمین افتاد و جان سپرد. ترسی شدید بر همه آنان که این را شنیدند مستولی شد."

به نظر می رسد که این مرد و زن عملی نیک انجام می دهند. از نظر خواهران و برادران کلیسای اورشلیم این دو اشخاصی پارسا بودند که پولی را جهت کمک به دیگران به رسولان دادند. اما درباره مقدار پول دروغ گفتند. آنها با فخر فروشی وانمود کردند که تمامی بهای زمین را پیش پای رسولان گذاشته در حالی که تنها بخشی از بهای زمین را در راه خدا دادند. در واقع آنها با این عمل، خواهران و برادران ایماندارشان را فریب دادند.

بعنوان شاگرد عیسی، پارسا بنظر رسیدن امری بسیار آسان است خصوصاً هنگامی که در دل دروغ می گوییم. ما نباید وانمود کنیم که همه چیزمان را به خدا می دهیم حال آنکه بخشی از آن را برای خود نگه داریم. گناه حنانیا و سفیره به علت عدم سخاوتمندی آنها نبود. اگر آنها گفته بودند که ما قصد داریم بخشی از پول را به خدا بدهیم و باقیمانده پول را برای خود نگه

داریم آنگاه آنها حقیقت را بیان کرده بودند و از نظر خدا نیز عملشان پسندیده بود. اما آنها خطا کردند و به خدا و پطرس دروغ گفتند.

زمانی که گناهی را مرتکب می شویم ممکن است آن گناه به دیگران آسیب برساند اما پیامد واقعی آن، گناه کردن علیه خدا است. به هنگام دروغ گفتن به گمان خود تنها به زن یا مردی دیگر دروغ می گوییم در حالیکه باید بدانیم که در آن لحظه سعی در فریب دادن خدا نیز داریم.

مشکل این است که برخی از افراد این موضوع را باور ندارند. آنها می دانند که تعداد زیادی از افراد دروغگو هستند و سعی می کنند از آن قسر در برونند. امروزه خدا دروغگویان را مانند حنانيا و همسرش، سفیره نابود نمی کند. با این حال، دروغگویی برملا می شود و اگر شاگردان خداوند عیسی مسیح چنین رفتاری داشته باشند آنگاه این رفتار بد آسیبهای معنوی شدیدی بهمراه خواهد داشت که نه تنها گریبان گیر شخص دروغگو بلکه گریبان گیر شخصی که به او دروغ گفته شده نیز می شود. داوود این مسئله را درک کرد و در مزامیر باب ۳۷ اینگونه نوشت:

"در حضور خدا آرام باش و صبورانه انتظار او را بکش. به سبب آنان که در راههای خویش کامرانند و نقشه های پلید خود را به اجرا در می آورند، خویشتن را مکدر مساز. از خشم باز ایست و غضب را ترک نما. خویشتن را مکدر مساز که جز به شرارت نمی انجامد. زیرا که بدکاران منقطع خواهند شد اما منتظران خداوند زمین را به میراث خواهند برد. پس از اندک زمانی، دیگر شریری نخواهد بود و هر چند او را بجویی یافت نخواهد شد. اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی لذت خواهند برد." مزامیر ۱۱-۳۷

هنگامی که عیسی به زمین باز گردد تا پادشاهی خدا را تاسیس نماید، فریبکاران درست همانگونه که خدا حنانيا و سفیره را مجازات کرد به سزای عمل خود خواهند رسید.

صداقت در زندگی روزمره

کتاب مقدس به ما می آموزد که نه تنها در بیان موضوعات مهم بلکه باید در بیان موضوعات کم اهمیت نیز صادق باشیم. برخی از مردم گمان می کنند که گفتن دروغهای کوچک امری قابل قبول است و ایرادی ندارد. از نظر کتاب مقدس هیچ گونه تفاوت و تمایزی میان بیان دروغ کوچک و بزرگ وجود ندارد. خدا در این باره می فرماید:

" فریبکار در خانه من ساکن نخواهد شد و دروغگو در حضورم نخواهد ماند." مزامیر ۱۰۱:۷

گفتن دروغ اعم از کوچک و بزرگ امری نادرست است و اگر پیوسته به دروغ سخن بگوییم دیگر در پادشاهی خدا جایی نخواهیم داشت و خدا نیز به ما اجازه ورود به پادشاهی را نخواهد داد.

با دقت به مفهوم آیه زیر از کتاب امثال سلیمان توجه کنید:

" خدا از ترازوی نامیزان کراهت دارد اما وزنه کامل پسندیده اوست."

امثال سلیمان ۱۱:۱

برای درک این آیه، کاسبانی را در نظر بگیرید که با ترازو ایشان عمداً به مشتری کم فروشی می کنند. چنین کاسبی فکر می کند که زیرک و باهوش است اما غافل است که خدا از چنین شرارت و بدی پنهانی کراهت دارد. حتی اگر کاسب هم نباشیم می توانیم به سمت کم فروشی وسوسه و دچار شویم بعبارتی دیگر افراد در هر منصبی که هستند کم فروشی می کنند. برای مثال یکی از مصادیق آن زمانی است که به دروغ به کارفرمایمان می گوییم بدلیل بیماری نمی توانیم سر کار بیاییم یا اقلام کوچکی مانند یک مداد یا مقداری کاغذ از او بدزدیم. شاید خود را اینگونه توجیه کنیم که ما بخاطر خیریت دیگران ناگزیر به انجام چنین کاری هستیم. شاید بتوانیم اعمالمان را از دیگران مخفی کنیم اما هرگز نمی توانیم از خدا پنهان کاری کنیم.

رشوه خواری یکی از مصادیق نادرست عدم صداقت به شمار می آید که ما در زندگی روزمره خود با آن مواجه می شویم. ممکن است شخصی در ازای انجام عملی از ما پول درخواست کند یا ما به کسی پیشنهاد پول بدهیم تا به خواسته مان برسیم. رشوه خواری نوعی فساد مالی است که در برخی از کشورها رایج می باشد. خدا از این عمل بیزار است و به ما می گوید که رشوه خواران در پادشاهی خدا جایگاهی نخواهند داشت.

" خداوندا، کیست که در خیمه تو میهمان شود؟ و کیست که در کوه مقدست ساکن گردد؟

آن که در صداقت گام بردارد، و درستکار باشد و از دل، راست بگوید.

که به زبان خویش غیبت نکند، و به همسایه اش بدی روا مدارد، و ملامت را درباره نزدیکانش نپذیرد.

که شیران در نظر او حقیر باشند و آنان را که از خدا می ترسند حرمت بدارد که به قول خویش وفا کند هر چند به زیانش باشد. که پول خود را به ربا ندهد و رشوه بر ضد بی گناه نپذیرد. آن که اینها را به جای آرد هرگز جنبش نخواهد خورد."

مزامیر ۱۵

در این باب، داوود ابتدا پرسشی مطرح می نماید و در ادامه به آن پاسخ می دهد. پرسش او این است که چه کسانی در ملکوت خدا حضور خواهند داشت و سپس درباره خصوصیات اخلاقی زنان و مردانی صحبت می کند که خدا آنها را جهت ورود به ملکوتش انتخاب نموده است. این اشخاص دارای صفات اخلاقی زیر هستند:

- آنها در زندگی عمل نیک انجام می دهند و از فرامین خدا اطاعت می نمایند.
- آنها نه تنها در گفتار بلکه از دل راستگو هستند. زبان و قلب آنها یکی است.
- از دیگران بدگویی نمی کنند و نسبت به دوستان خود وفادار هستند.
- به همسایگان خود تهمت نمی زنند.
- به آنان که از خدا پروا دارند و او را عبادت می نمایند، احترام می گذارند.
- از آنان که نام خدا را بی حرمت می کنند، دوری می نمایند.
- آنها خلف وعده نمی کنند حتی اگر به زیانشان باشد.
- آنها دیگران را فریب نمی دهند.
- از رشوه گیری جهت صدمه رساندن به افراد بی گناه امتناع می ورزند.

اینان افرادی هستند که از حضور در پادشاهی خدا بی نصیب خواهند ماند.

یکی از آموزه های تاثیر گذار کتاب مقدس این است که خدا با ما همانگونه رفتار می کند که ما در زندگیمان با یکدیگر رفتار می کنیم. داوود در مزامیر باب ۱۸ بطور صریح به این موضوع اشاره کرده است.

" با وفادار، خود را وفادار می نمای. با بی عیب، خود را بی عیب می نمای.
با پاک خود را پاک می نمای ولی با حيله گر، به زیرکی رفتار می کنی."
مزمیر ۲۶-۲۵:۱۸

ما از خدا می خواهیم که در مسند داوری نسبت به ما مهربان باشد و ما را بعنوان افرادی مقدس و شایسته در پادشاهیش بپذیرد.
بنابراین ما نیز باید اکنون با دیگران با مهربانی، یکرنگی و صداقت رفتار نماییم.

" باشد که به میزان درست سنجیده شوم تا خدا کاملیت مرا بداند."
ایوب ۳۱:۶

خدا همواره با عدالت و انصاف با مردم رفتار می کند. حال اگر ما در زندگی با بی عدالتی و دروغ با دیگران برخورد کرده باشیم
چگونه می توانیم از خدا انتظار داشته باشیم که ما را در پادشاهیش بپذیرد؟

سرمشقی برای دیگران

دلیل بسیار مهم دیگری وجود دارد که چرا شاگرد عیسی باید کاملاً صادق و راستگو باشد. غیر ایمانداران با دقت به زندگی ما
چشم می دوزند تا بدانند ما به موعظه هایمان عمل می کنیم. در صورتی که با صداقت و راستی زندگی کنیم و کلام خدا را
بشارت دهیم، مردم بی خواهند برد که ما به معنای واقعی به موعظه هایمان ایمان داریم. اگر درباره صداقت موعظه کنیم اما در
زندگی دروغگو باشیم آنگاه مردم پیام ما را باور نخواهند کرد. در زمان پولس رسول این مشکل نیز وجود داشت و او در این
خصوص در رساله به رومیان اینگونه نوشت:

" و اطمینان داری که راهنمای کوران و نور ظلمت نشینانی، تو که به سبب برخورداری از شریعت که تبلور معرفت و حقیقت
است، مربی جاهلان و آموزگار کودکانی، تو که دیگران را تعلیم می دهی، آیا خود را نمی آموزانی؟ تو که برضد دزدی موعظه می
کنی، آیا خود دزدی می کنی؟ تو که می گویی نباید زنا کرد، آیا خود زنا می کنی؟ تو که از بتها نفرت داری، آیا خود معبدها را
غارت می کنی؟ تو که به داشتن شریعت فخر می فروشی، آیا با زیر پا گذاشتن آن به خدا بی حرمتی می کنی؟ چنانکه نوشته
شده است: "به سبب شما، نام خدا را در میان قومها کفر می گویند."
رومیان ۲۴-۱۹:۲

یکی از عواقب نامطلوب دروغگویی در زندگی یک ایماندار این است که افراد خارج از کلیسا به هنگام مشاهده چنین رفتاری از ما
نام خدا را بی حرمت خواهند کرد.

بار دیگر پولس رسول تفکرات ما را در این درس خلاصه می نماید. اگر قصد سفر به پادشاهی خدا داریم باید به آموزه ها و تعلیم
عمل کنیم و زندگیمان را از آنها مملو سازیم.

" در پایان، ای برادران، هر آنچه راست است، هر آنچه والا است، هر آنچه درست است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست
داشتنی و هر آنچه ستودنی است، بدان بیندیشید. اگر چیزی عالی است، و شایان ستایش، در آن تامل کنید. آنچه از من آموخته
و پذیرفته اید و هر آنچه از من شنیده و یا در من دیده اید، همان را به عمل آورید، که خدای آرامش با شما خواهد بود."
فیلیپیان ۹-۸:۴

سوالات

۱. واژه مقدس بودن برای یک شاگرد به چه معناست؟
۲. چگونه بنی اسرائیل می بایستی در زندگی راستگو باشند؟ سه مثال بزنید.
۳. زمانیکه ما به یکدیگر دروغ می گوییم، چه کس دیگری از آن آگاه است؟
۴. چگونه ما باید در زندگی صداقت داشته باشیم؟ سه مثال بزنید.
۵. سه خصوصیت اخلاقی شخصی که در پادشاهی خدا حضور خواهد داشت را نام ببرید.
۶. مزامیر ۵-۳: ۲۴ را توضیح دهید؟